

## • اسم هایی که تنها به صورت مرفوع می آیند:

تعریف: اسمی که عامل به آن اسناد داده شده و وجود عامل وابسته به آن است.

### ۱/الف) فاعل

اسم ظاهر

انواع

بارز

ضمیر

مستتر

نکات مربوطه

میان فعل و فاعل مونث، تلازم وجود دارد.

قامت هند - هند قامت - الشمس طلعت

اصل در فاعل، مقدم بودن آن بر مفعول است.

موارد وجوبی

در صورتی که با هم مشتبه شوند.

فاعل ضمیر متصل باشد و مفعول متأخر از فعل باشد.

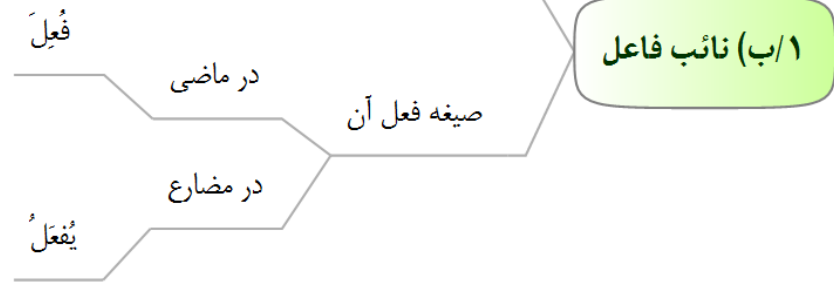
### موارد تقدم فاعل بر مفعول

موارد امتناعی  
(وجوب تأخیر فعل)

هرگاه به فاعل، ضمیری که به مفعول برمی گردد، متصل گردد.

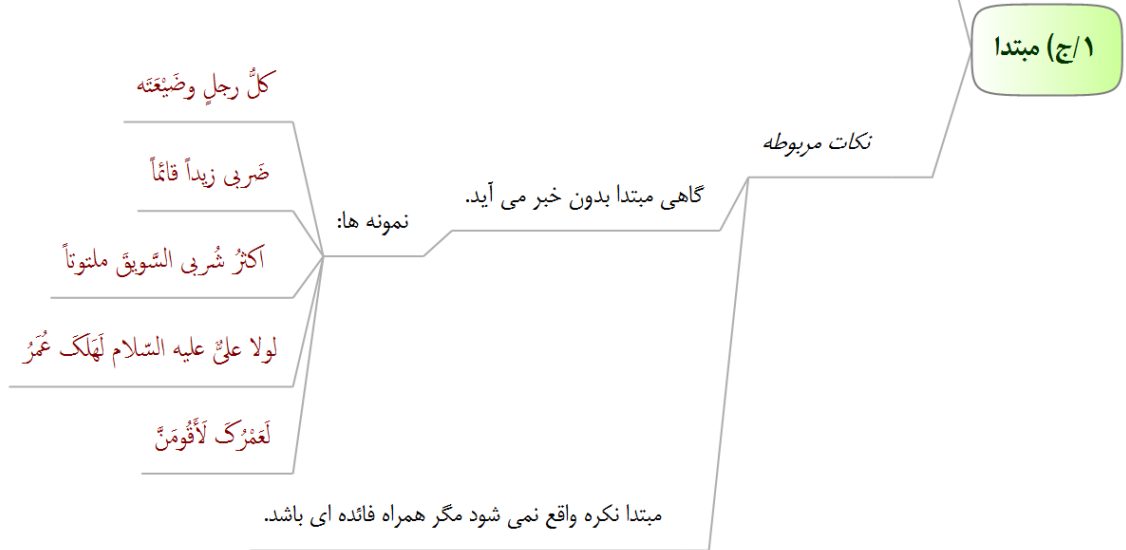
هرگاه ضمیر مفعولی به فعل متصل گردد و فاعل متصل نباشد.

تعريف: مفعولى كه جايزين فاعل مى شود.

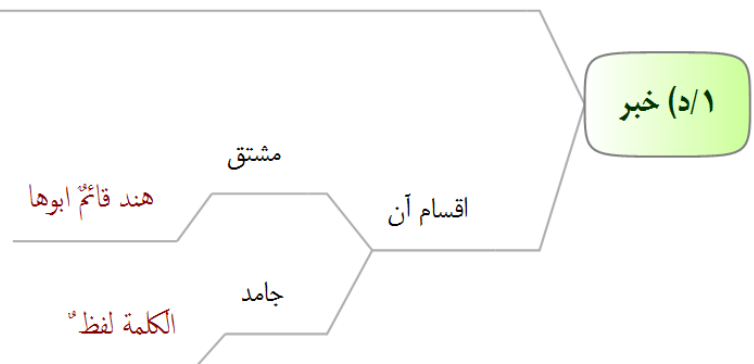


تعريف: اسمى كه از عوامل لفظيه خالى باشد و مسنداليه واقع شود. زيد قائم

يا اسم مشتقى است كه بعد از نفى يا استفهام واقع شود و رافع اسم ظاهر و يا ضمير منفصل باشد. ما قائم الزيدان / زيد



تعريف: آن است كه از عوامل لفظى خالى باشد و مسندبه واقع شود.



تعريف: اداتى (حروف و افعالى) كه بر مبتدا، به عنوان اسم خود و بر خبر، به عنوان خبر خود، وارد مى شوند.

نواسخ

انواع آن

افعال ناقصه

كان، صار، أصبح، اضحى، امسى، ظلّ، بات، ليس، مازال، ما برح، ما انفك، ما فتىء و مادام

رفع به اسم

عملکرد آن ها

نصب به خبر

نکته: مضارع ما در حالت جزم، جایز است نون آن حذف شود (به صورت کلی).

لم اک بغياً

حروف مشبهة بالفعل

إن، أن، كأن، لیت، لکن و لعلّ

عملکرد آن ها

عکس عمل کان

ما زائده در صورت ملحق شدن به إن، آن را از عمل باز می دارد.

إتيا زيد قائم

نکته

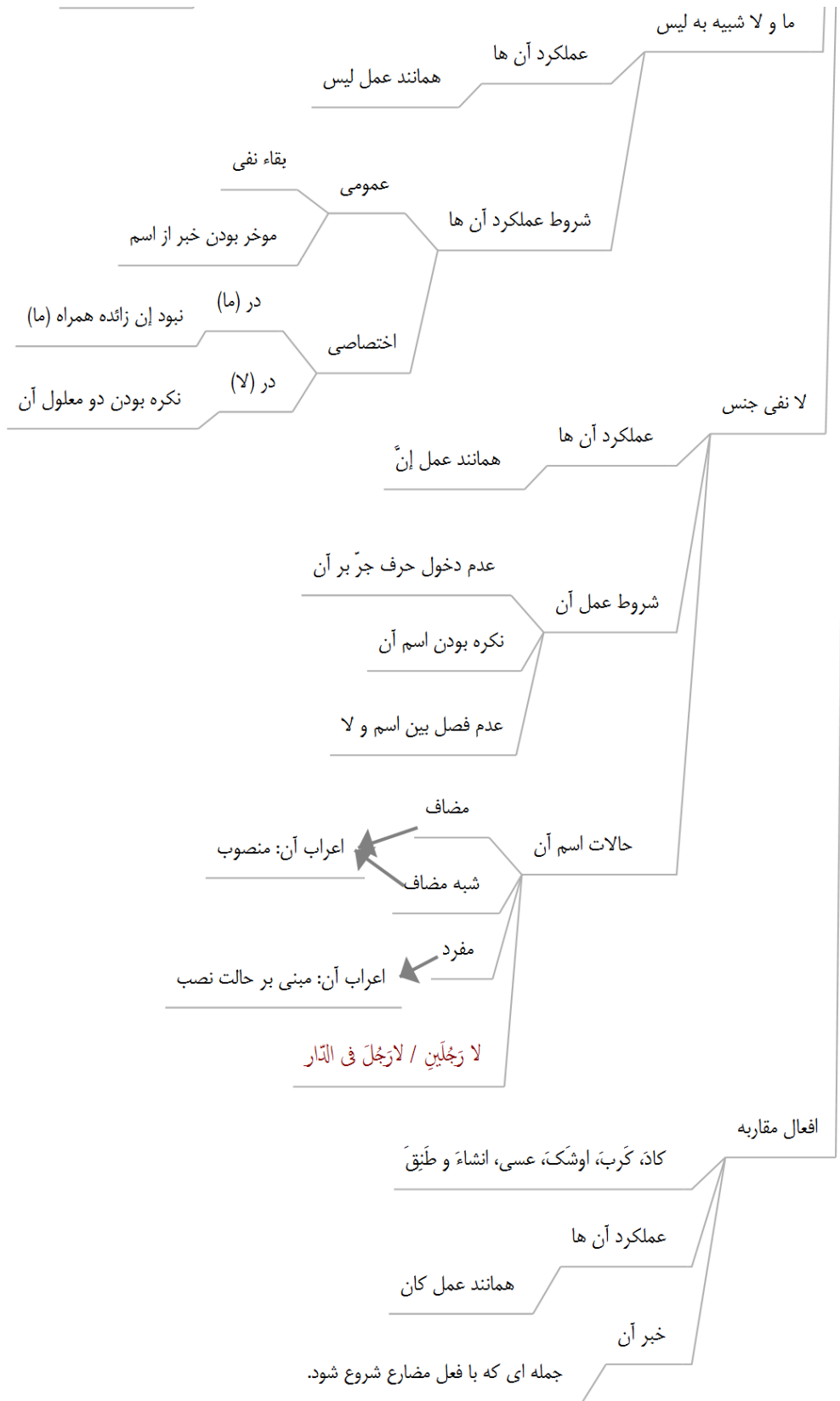
حالت همزه إن در جایگاه های مختلف

فتحه

کسره

یکی از دو حالت





• اسم هایی که تنها به صورت منصوب می آیند:





تعريف: اسم نكرة ای که رفع ابهام از ذات یا نسبتی می کند.

٢/ح) تمییز

فرق بین تمییز و حال

تمییز غالباً جامد است.

تمییز هیچ گاه به صورت جمله نمی آید.

تمییز بر عامل خود مقدم نمی شود.

رطل زیتاً

خاتم فضة

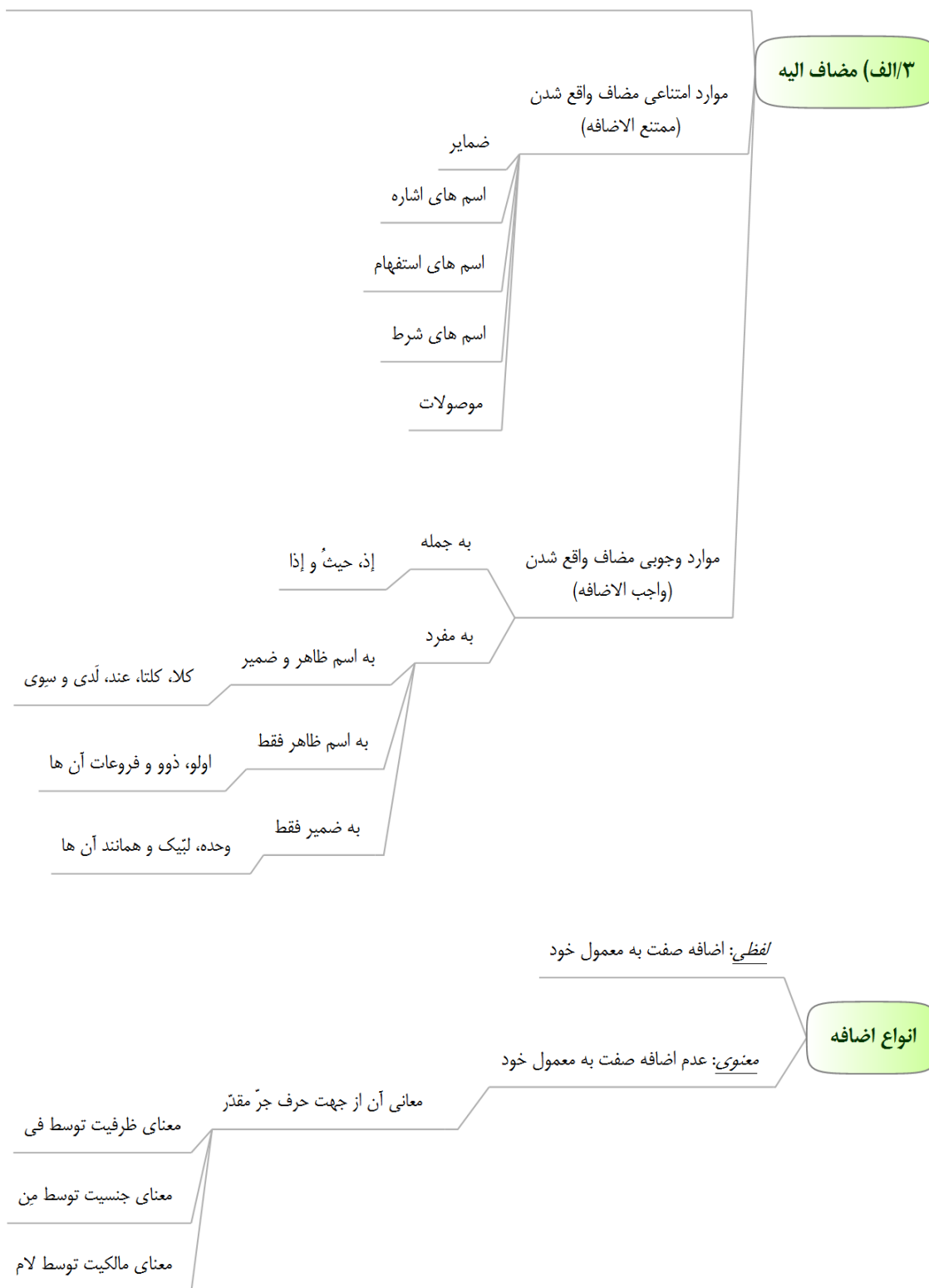
و أستعل الرأس شيباً



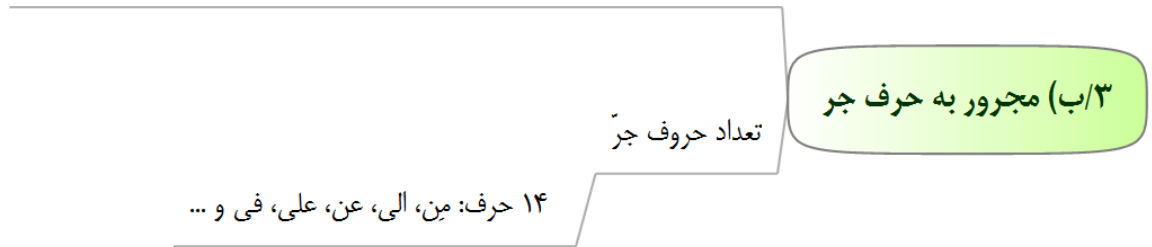


## • اسم هايي كه تنها به صورت مجرور مي آيند:

تعريف: كلمه اي كه به اسمي (مضاف) به واسطه حرف جرّ مقدر، نسبت داده مي شود و آن حرف جرّ موثر واقع شود.

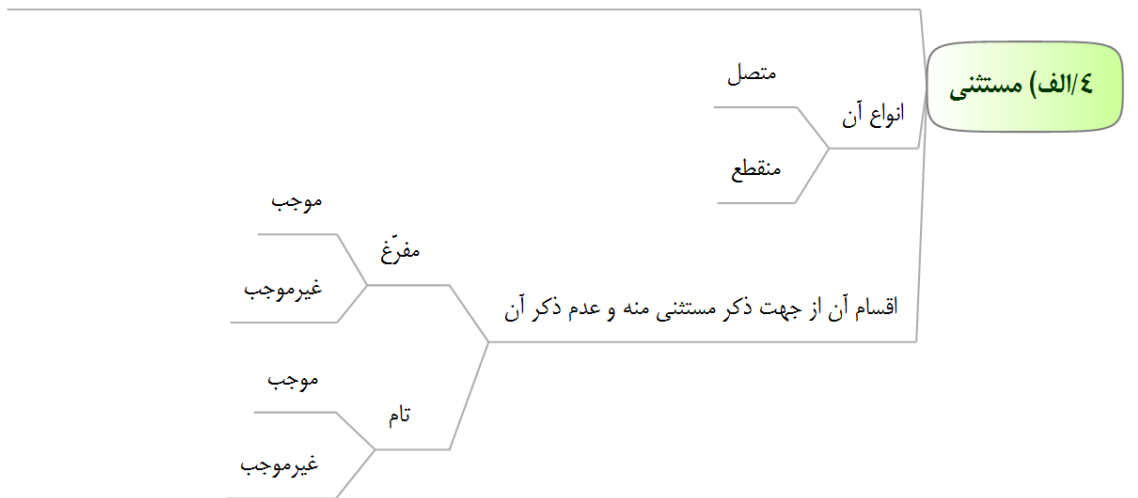


تعريف: کلمه ای که به اسمی به واسطه حرف جرّ ملفوظ، نسبت داده می شود.



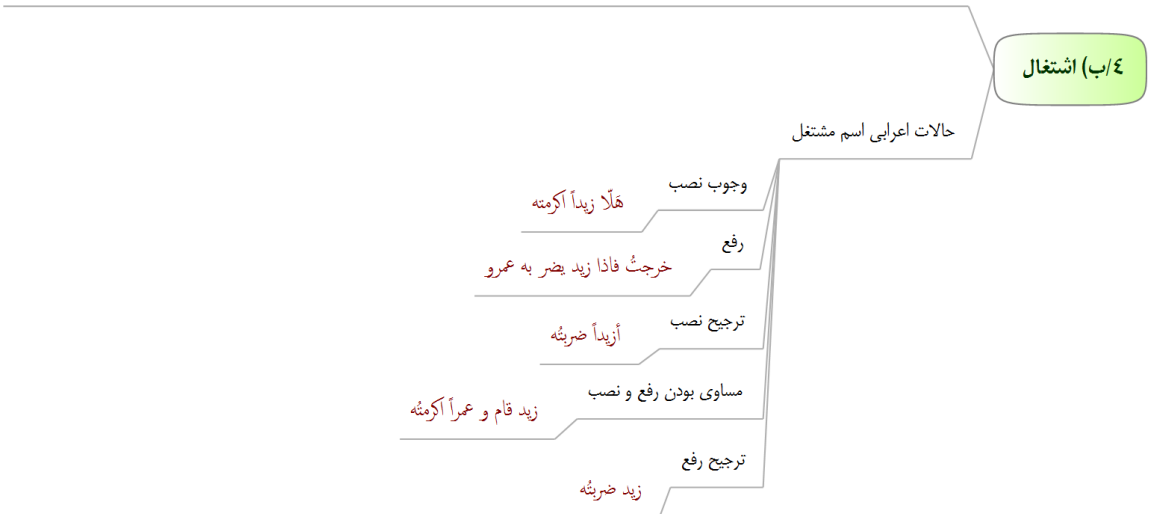
## • اسم هایی که هم منصوب و هم غیرمنصوب می آیند:

تعريف: اسمی که پس از إلاً و مانند آن ذکر شود تا متّصف به نسبتی که پیش از إلاً بوده، نشود ولو از جهت حکمی.



\* ادات استثنا: إلاً، خلا، حاشا، لیس، لایکون، ماخلاً، ماعدا، غیر و سوی

تعريف: اسم مقدم از عامل که آن عامل، ضمیری که به اسم برمی گردد یا متعلق آن اسم را نصب می دهد و از عمل در اسم مقدم، اعراض نموده است.

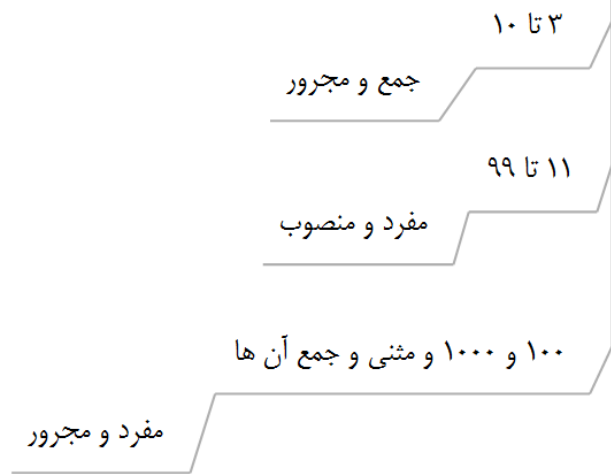


تعريف: اسمی که با یکی از حروف ندا، خوانده می شود.

۴/ج) منادی



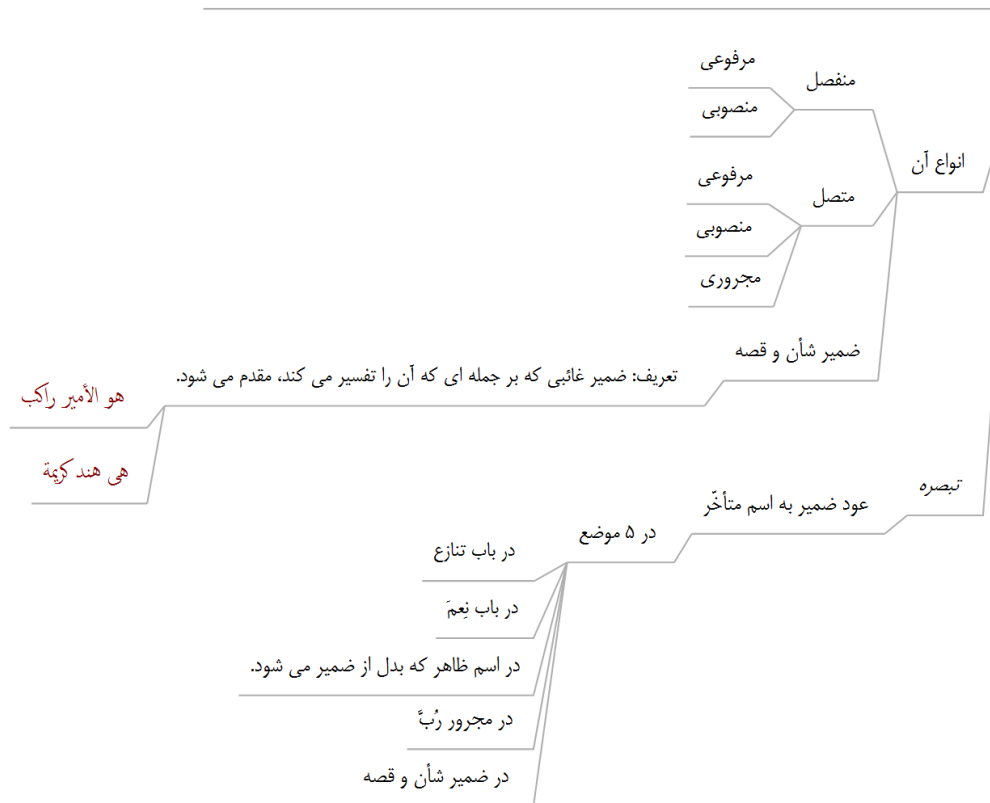
۴/د) تمییز اعداد

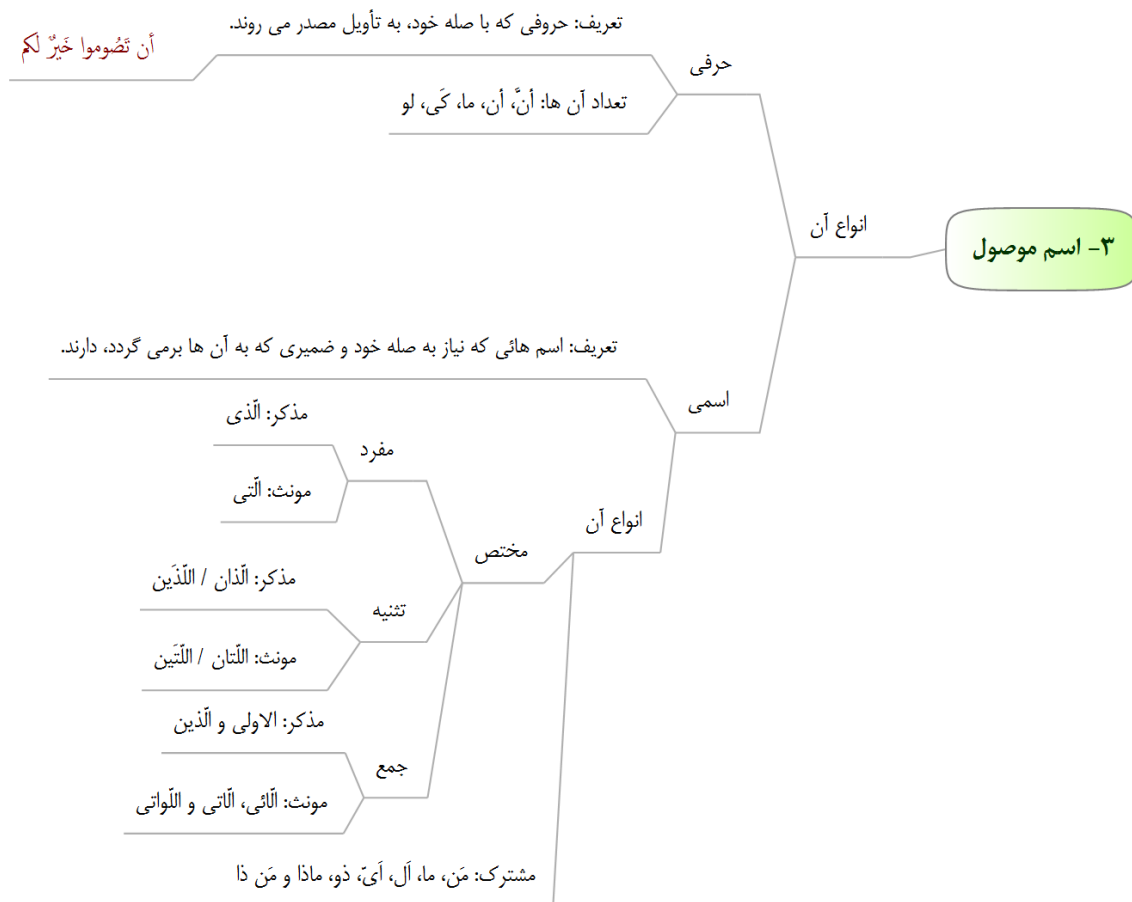
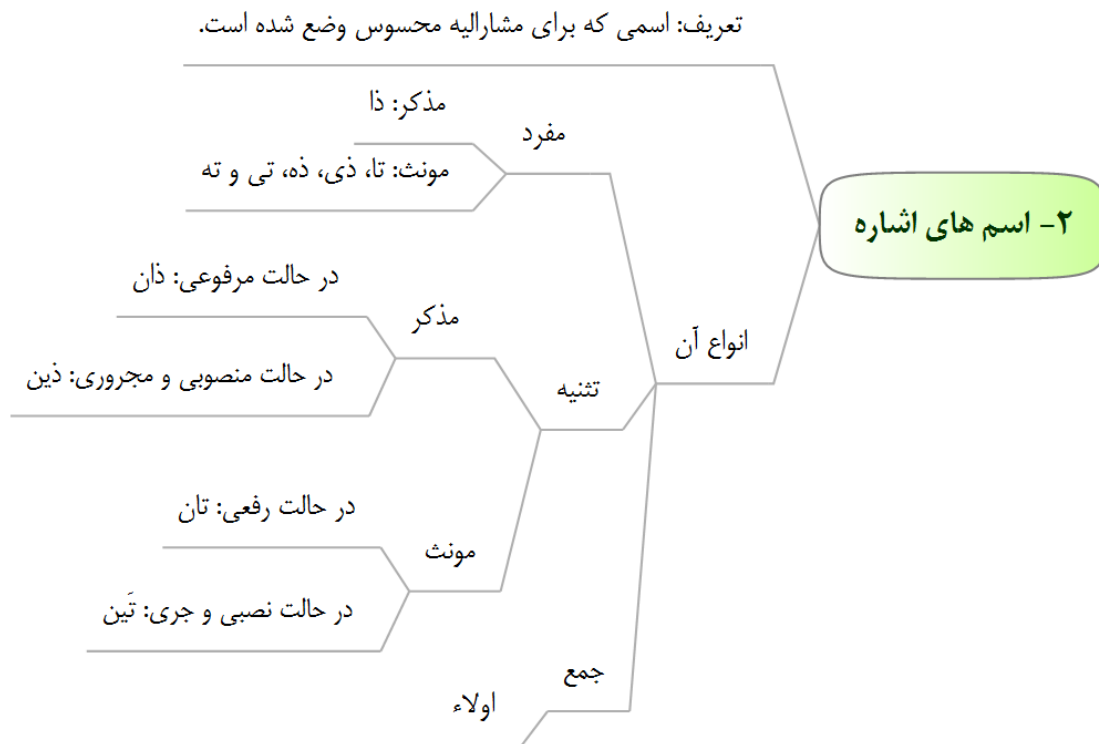


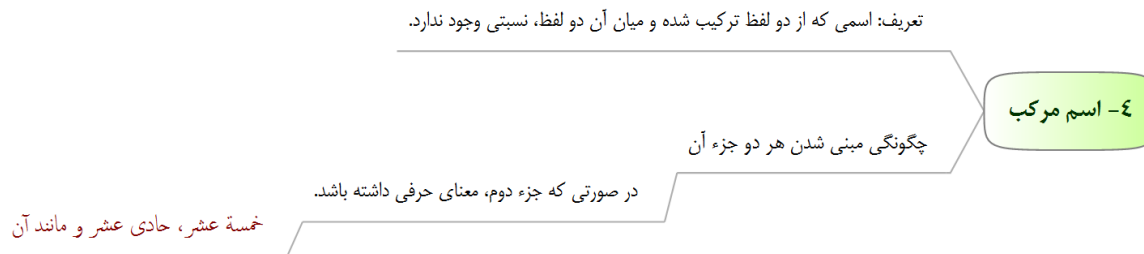
• اسم های مبنی

تعریف: آنچه که برای متکلم یا مخاطب یا غائب که پیش از آن ذکر شده، وضع شده است هرچند از جهت حکمی.

۱- ضمیر







## • اسم های عمل کننده شبیه به افعال

### ۱- مصدر

تعریف: اسمی که برای حدث است و فعل از آن مشتق شده و عمل فعل خود را انجام می دهد.

### ۲- اسم فاعل

تعریف: اسمی که هم بر حدث و هم بر فاعل حدث دلالت می کند به نحو حدوثی.

زمان آن برای حال یا استقبال باشد.

شرایط عمل آن در صورتی که صله ال نباشد.

تکیه به یکی از امور زیر کند:  
نفی یا استفهام یا مبتدا یا موصوف یا ذوالحال

### ۳- اسم مفعول

تعریف: اسمی که هم بر حدث و هم بر مفعول حدث دلالت می کند.

نکته: شرایط عامل بودن آن، همان شرایط اسم فاعل است.

### ۴- صفت مشبیه

تعریف: اسمی که هم بر حدثی و هم بر فاعل حدثی دلالت می کند به نحو ثبوتی.

حالات معمول آن

رفع بنا بر فاعلیت

نصب بنا بر تشبیه به مفعول در صورتی که معرفه باشد.

نصب بنا بر تمییز بودن در صورتی که نکره باشد.

جر بنا بر اضافه



٥- اسم تفضيل

تعريف: اسمی که دلالت بر برتری موصوفی نسبت به موصوف دیگر در صفتی دارد.

اوزان آن

برای مذکر: أفعَل

برای مؤنث: فُعَلَى

شروط ساخت آن

از فعل ثلاثی باشد.

تام باشد.

متصرف باشد.

قابل تفاضل باشد.

افعل وصفی نباشد.

حالات استعمال آن

با (مِن)

هند / الزیدان افضلُ من عمرو

با (ال)

هند الفضلی / الزیدان الافضلان

مضاف

الزیدان أعلمُ الناس / اعلمهم





اسباب منع صرف اسم

